

فقط سه بار می توانی بشینی

نویسنده: سید محمد حسینی

نشر: [تابوک پرس](#)

سال نشر: بهار 1387

زنان اجازه ورود به معبد بزرگ را ندارند زیرا در وسط معبد بزرگ ، خدای خدایان به بزرگی آلتش در مرکز معبد قرار دارد. علت اینکه زنان اجازه ورود به معبد بزرگ را ندارند این است که زن موجودی است ناقص الخلقه ، از نشانه های ناقص الخلقه بودن زنان این است که آلت ندارند و تخم هایشان بروی سینه هایشان قرار گرفته و ورم کرده است (جابجای تخم ها توسط شیطان انجام شده است) به همین دلیل است که مکیدن سینه زنان ها باعث تحریک آنها می شود زیرا تخمشان بر روی قفسه سینه شان قرار گرفته است.

هر موجود ناقص الخلقه ای به معبد بزرگ وارد شود مجازات خواهد شد . مجازات به این شرح است : تخم ها بریده می شود و چشمان را در می آورند و در جای خالی آلت فرو می کنند و روی آن سرب می ریزند و آن سوراخ را پر می کنند اگر زنده بماند نشانه این است که بت بزرگ (خدای خدایان) او را بخشیده است.

اگر زنی به خدای بزرگ دست زند البته فرضی محال می باشد زیرا بت بزرگ به موجودی که شیطان در وجود او دست کاری کرده است و ناقص الخلقه می باشد این اجازه را نمی دهد که او را لمس کند. بعد از لمس کردن دو دست وپای او را قطع می کنند و چشمانش را در محل آلت نداشته اش فرو می کنند اگر زنده بماند . بت بزرگ او را بخشیده است.

و مردان ، همه مردان توانایی ورود به معبد بزرگ را ندارند زیرا برای بدست آوردن این افتخار و برای حضور در معبد بزرگ باید مراسم ویژه ای را اجرا کنند تا بعد از تایید پیشوایان و پیشوای بزرگ مفتخر به این عنایت بزرگ شوند تا در معبد بزرگ حضور بهم رسانند.

مراسم ویژه مفتخر شدن مردان برای حضور در معبد بزرگ به شرح زیر است :

مراسم سن سه تا شش سالگی ؛ در این مراسم باید با آلت نزدیکترین پیشوای معبد که در نزدیک محل سکونت مرد می باشد بازی کند. ماهی یک بار روی آن می نشیند که در صورت صلاح دید پیشوا ، می توان بیشتر از یک بار در ماه این مراسم را انجام دهد و در هر ماه باید با دستانش (حداقل چهار بار

در هر ماه) برای پانزده دقیقه با آلت پیشوای معبد بازی کند و هر ماه باید به مدت 123 دقیقه سر آلت را در دهان خود نگهدارد (فقط باید آن را در دهان نگهدارد از مکیدن خودداری شود).

مراسم ویژه سن شش تا هفت سالگی ؛ تمام مراسم بنا به صلاح دید پیشوای معبد اجرا می شود بعلاوه اینکه مفتخر می شود که هر ماه یک شب را در رختخواب پیشوای معبد به صبح برساند ، در صورت صلاح دید پیشوای می توان مراسم را افزایش داد.

مراسم ویژه سن هفت تا چهارده سالگی ؛ مراسم گذشته بنا به صلاح دید پیشوای اجرا می شود بعلاوه اینکه پیشوای معبد ، پیشوای دوم (پیشوای دوم مسئول معبد های منطقه می باشد) در افتخارات مرد قرار می گیرد و مراسم گذشته نیز با پیشوای دوم انجام می شود (میزان مراسم به صلاح دید پیشوای دوم است.)

در سن دوازده سالگی اگر پیشوای معبد او را از نظر لیاقت و گنجایش های لازم تایید کنند ، به دلیل دوری راه ها برای اجرای مراسم هر سال یک ماه به نزد پیشوای دوم می رود و تمام مراسم در یک ماه در معبد پیشوای دوم انجام می شود و مفتخر است که در آنجا اقامت کند.

مراسم چهارده تا هجده سالگی ؛ تحت الحفظ مراسم قبلی در سن شانزده سالگی مراسم سن تکلیف اجرا می شود در این مراسم که از شب شروع تا آخرین شب زندگی باید اجرا شود چه در جایگاه مفعول یا فاعل .

مراسم تکلیف با حضور پیشوای معبد و پیشوای دوم و پیشوای سوم انجام می شود ، مرد شانزده ساله مفتخر است آن شب را هم زمان با دو پیشوای ، شب را به صبح برساند و در آخرین لحظات شب به اوج افتخار نایل می شود و هم زمان با سه پیشوای به افتخار می رسد.

از سن هجده سالگی بنا به نظر پیشوای به تزکیه و دوری از شی جاندار یعنی زن می پردازد. در علت اینکه چرا باید از زن دوری کرد اینگونه به مرد هجده سال توضیح داده می شود :

زن موجودی ، ناقص الخلقه است. بی آنکه زخمی شود طی زمان و دوره خاص دچار خون ریزی می شود . زنان ناقص الخلقه هستند زیر آلت دراز مردانگی را ندارند که با آن انسان های دیگر (منظور از انسان ها فقط مردان می باشد) تعلیم و تربیت کنند و از آن پست تر و حقیر تر این است که توسط

شیطان تخمشان جابجا شده است و به شکل باور نکردنی روی سینه شان قرار گرفته است . دلایل پوشاندن تخم ها و جالی خالی آلت کریه بودن این ترکیب جسم زنان است.

سوراخ باسن زنان تنها شباهات جنسی موجود ناقص الخلقه و مرد است. سوراخ دیگری نیز دارند ، این سوراخ شیطانی به علت عدم وجود آلت توسط شیطان ایجاد شده است ولذت شیطانی در آن نهفته است. از عجایب سوراخ شیطانی این است اگر انسان آلتش را در آن فرو کند و به آن رضایت دهد احساس لذت در او ایجاد می شود که شیطانی است و به علت بعد جادوگری شی جاندار که با آن می خواهد مرد را به دوری از بت بزرگ و نزدیکی به شیطان سوق دهد. می تواند در درون خود انسان دیگری را بعد از نزدیکی به وجود آورد. مردان باید از زنان دوری کنند زیرا در نزدیکی با شی جاندار ، فقط نزدیکی به شیطان و دوری از بت بزرگ نهفته است.

زمانی می تواند مرد به شی جاندار نزدیک شود که هدف تولید هم نوع باشد که شرایط ویژه ی برای این منظور وجود دارد که در زمان آینده در اختیار پیشاهنگان قرار می گیرد. این موجود عجیب و ناقص الخلقه و حقیر دارای صفت های جادوگری و کشش و ایجاد محبت در هر مقامی است و فقط به درد ازدیاد نسل می خورد. متأسفانه این شی جان دار ، همیشه انسان تولید نمی کند بلکه به صورت نامعلومی طبق رابطه ویژه ای در بعضی از زمان های شی جاندار نیز تولید می کنند.

پیشاهنگان باید توجه داشته باشند که از شی جاندار دوری کنند زیرا لذتی که از نزدیکی و هم خوابی آنان به انسان می رسد لذتی شیطانی است و برای دور کردن شما از بت بزرگ است و شما را از این طریق از حیات ابدی محروم می کنند.

شی جاندار ، بعد از تولد همگی ناقص الخلقه هستند و بعد جادوگری و شیطانی دارند و باید شی جاندار را تا سن هجده سالگی انسان ها از انسان ها دور نگهداشت و آنها را در محیط دیگری تعلیم و تربیت کرد تا نتوانند با قدرت شیطانی خود انسان هایی را از بت بزرگ دور کنند. (تا سن هجده سالگی به صورت عموم اطلاعاتی ویژه ی در مورد این شی جاندار در اختیار انسان ها قرار می گیرد به همین دلیل ضریب فریب خوردن انسان ها نسبت به رفتار جادویی و شیطانی این شی جاندار کم می شود و سن هجده سالگی سن کمال فهم و عقل است و انسان در این سن می تواند خوب و بد را براساس اطلاعاتی که تا سن هجده سالگی در اختیار او قرار گرفته است به صورت کامل تشخیص دهد.)

به صورت یک رابطه همیشگی باید گفت مرد مسئول زن است زیرا این موجود یک شی جان دار است متفاوت از بقیه جان داران نه می توان آن را در دسته حیوانات قرار داد نه در دسته انسان ها (به علت

عدم داشتن آلت). هر مرد در پایین ترین حالت ممکن با یک شی جان دار در زندگی ابدی خود رابطه نزدیک دارد که آن شی جاندار است که او را به دنیا آورده است و به صورت عمومی تر دو شی جان دار رابطه دارد یکی همان شی جاندار است که پیشتر در مورد آن توضیح داده شده و یکی شی جاندار است که توسط آن هم نوع خود را به وجود می آورد.

در طول حیات ابدی انسان مالک شی جان دار است که در تعامل با او هستند ، این مالکیت بنا به جایگاه اجتماعی در جامعه اول اجتماعی تغییر می کند . برای مثال ، مردی مالک شی جان دار است ، آن شی جان دار را به صورت عمومی همسر خطاب می کنند و همچنین شی جاندار دیگری که از شی جاندار انسان بوجود آمده است و به صورت عمومی در جامعه آن را دختر می نمایند و در صورت عدم حیات ابدی پدر انسان ، مالک شی جان دار است که از آن تولید شده است می باشد. (نام گذاری نسبت ها با شی جان دار ها باعث ایجاد محبت نسبت به این موجود شیطانی می شود که پیشاهنگان درصد تغییر این روند نام گذاری می باشند تا شیطان از این راه نتواند به انسان ها نفوذ کند و آنها را از بت بزرگ دور کند.)

اگر دو انسان (که از نزدیکی یک انسان با شی جاندار بوجود آمده باشند که در عموم این دو انسان را برادر خطاب می کنند. انسانی به شی جاندار نزدیک شده است و انسان های دیگر را به وجود آورده است به صورت عموم پدر می نامند.) یکی از انسان ها فوت کند انسان دیگر مالک دارای او می شود (شی جان دارهای ، انسان فوت شده جز دارایی محسوب می شود). به صورت عموم آنها را دختر و همسر(منظور همان همبستر است در ادبیات عموم که همه چیز را به علت ناآگاهی وبی سودای کوتاه می کنند این کلمه را نیز برای راحت تر بودن کوتاه کرده اند) خطاب می کنند.

این قوانین عالمانه را پیشوای بزرگ وضع کرده است زیرا بسیار مهربان است . این مهربانی شامل حال شی های جان دار که ماموران شیطان می باشند نیز شده است و با این عمل به شی جان دار به علت داشتن جان حق زندگی می بخشد و در عین حال شی جان دار ها را به کنترل در می آورد توسط انسان ها .

در مورد ناتوانی عمومی این جان دار و عدم تولید هم نوع های خود بدون نیاز به انسان ها علت آن نداشتن آلت مردانگی است. شی جان دار به علت نداشتن آلت دراز ناقص و ضعیف شده است و به علت این ناتوانی جسمی در بعدهای دیگر حیات با انسان ها متفاوت می باشند و چیزی که عامل تعجب پیشاهنگها نسبت به شی جاندار است دستکاری شیطان بروی این موجود است که تخم آن بروی قفسه سینه آن قرار گرفته است ولی بی آنکه آلتی دراز داشته باشند !!!

بعضی از انسان ها اسیر اغوای شی جاندار می شوند و جامعه را در خطر می اندازند. طبق حکم پیشوای بزرگ اول (مستقیما این حکم از بت بزرگ به پیشوای بزرگ اول ابلاغ شده است) هر پیشاهنگ تا پیشوای که این مدل انسان ها را رویت کند وظیفه دارد به حیات او پایان دهد زیرا در ادامه حیات این انسان پذیرای شیطان است و این روند نفوذ شیطان تا جای پیش می رود که انسان خود شیطان می شود و می گوید : بت بزرگ در کار نیست ، همه حرف ها دروغ است و پیشوایان پیشوا نمی باشد و همه چیز بازی برای بازی دادن افکار عمومی جامعه است و به خدای خود یعنی شیطان بزرگ خدمت می کنند و تنها ثمره ی حیات این انسان های فریب خورده جز به خطر افتادن جامعه و تسلط شیطان بر جامعه چیز دیگری حاصل نمی شود. به دلایل ذکر شده هر مغرب درگاه بت بزرگ مسئول است ، در صورت دیدن این انسان های فریب خورده به حیات آن پایان دهد. (لازمه پیشوا شدن یک پیشاهنگ پایان داده به حیات انسان فریب خورده است.)

در سن هجده سالگی اطلاعات تعلیمی و تربیتی خاصی در مورد حیات در اختیار پیشاهنگ قرار می گیرد تا بعد از تایید پیشوا سوم به مقام پیشا نائل شود.

از جمله این اطلاعات می توان به مسائل زیر اشاره کرد :

حیات انسان چگونه است ؟

حیات انسان ها در گرو تامین غذا برای تامین انرژی و تامین نیاز جسمی و جنسی ، بعد از سن شانزده سالگی است و با هم خوابی این نیاز خاموش و تامین می شود (جایگاه فاعل یا مفعول فرقی نمی کند) این هم خوابی برای عموم باید با شی جاندار باشد ولی پیشاهنگان طبق فرمان بت بزرگ برای عادت نکردن پیشاهنگان به هم خوابی با زنان ، مفتخر هستند که پیشاهنگان با پیشوایان مردانه هم خواب می شوند و این نیاز را تامین می کند. در این حالت شیطان دیگر نمی تواند به پیشاهنگان و پیشوایان نفوذ کند(آفرین بر تفکر عاقلانه بت بزرگ)

حیات انسان پیشوا چگونه است ؟

تمامی زندگی یک پیشوا تا پایان عمرش بر این سه اصل استوار است و اگر پیشوای یکی از اصل ها را رعایت نکند حیات ابدی نخواهد داشت و بت بزرگ در یک زمان به صلاح دید ، به زندگی او پایان می دهد.

1. پرستش بت بزرگ و انجام مراسم و آئین بت بزرگ تا پایان حیات ابدی و در آخر پایان حیات ابدی یکی شدن با بت بزرگ.
2. دوری کردن از شی جان دار(شرایط ویژه ، برای تولید انسان و فقط سه مرتبه اجازه نزدیکی دارد) و هم خوابی با پیشاهنگان و پیشوایان .
3. برنامه ریزی برای جامعه تا قدرت شیطانی که در شی جان دار وجود دارد تجلی پیدا نکند و جامعه انسانی به دست شیطان اسیر نشود.

هم خوابی پیشوا با شی جاندار چگونه باید باشد ؟

به علت اینکه در وجود شی جان دار شیطان دست کاری کرده است و علت ناقص بودن این جاندار شیطان است ناخودآگاه میزبان شیطان شده است به همین دلیل باید از هم خوابی برای تولید انسان مراقبت ویژه نمود . اصول مراقبت در نزدیکی با شی جاندار به شرح زیر می باشد :

1. در فکر به بت بزرگ توجه شود و از لذت هم خوابی که به انسان می رسد چشم پوشاند و در عوض ، به هدف یعنی تولید انسان و یکی شدن در ابد با بت بزرگ فکر کرد
2. در هم خوابی ، انسان بر روی دست چپ دراز کشیده و شی جاندار بر روی دست راست (حالتی که شیطان در هنگام هم خوابی نمی تواند از وجود شی جاندار به وجود انسان نفوذ کند. دلیل این امر این است ، در دنده های چپ مردان یک دنده کم است). توجه داشته باشید در لحظه هم خوابی از تغییر حالت خودداری کنید و تنها نقطه تماس با شی جاندار از طریق آلت انسان به جای خالی آلت شی جاندار باشد. از قرار دادن لب انسان بروی لب شی جان دار در هر صورتی خودداری کنید زیرا این عمل باعث می شود که شما با بت بزرگ یکی نشوید .
3. درهم خوابی با شی جاندار فقط می توان از جای خالی آلت استفاده نمود و از دست زدن به تخم های زنان که روی سینه شان قرار گرفته است خودداری کنید زیرا شیطان این تغییر شکل را ایجاد کرده است و این عضو کاملاً شیطانی است و اگر دست مرد به این عضو تماس داشته باشد به زندگی ابدی دست پیدا نخواهد کرد و با بت بزرگ یکی نخواهد شد و بعد از مرگ دستی که این عضو را لمس کرده است تا ابد آتش گرفته و می سوزد.
4. از نگاه کردن به آلت در حین هم خوابی خودداری کنید زیرا اگر به آن نگاه کنید هرگز بت بزرگ را نخواهید دید و اگر بت بزرگ این خطا را ببخشد تا ابد کور خواهید ماند .

5. انسان ، در لحظه هم خوابی می تواند تن برهنه شی جان دار که تعلق به او دارد را ببیند اگر غیر از این لحظه باشد در روزی که بت بزرگ را ملاقت می کند تا ابد کور خواهد شد .

6. تا جای که ممکن است در هم خوابی از دست زدن به جای خالی آلت در شی جان دار خودداری کنید مگر به احتیاج .

7. از دوست داشتن شی جان دار خودداری کنید (خواهر ، مادر ، همسر ، دختر ،) زیرا کوچکترین احساس عامل وابستگی می شود و شما تا 150 سالگی بیشتر عمر نخواهید کرد و نمی توانید ابدی باشید (دوست داشتن شی جاندار مثل دوست داشتن خود شیطان است) .

8. در حین هم خوابی نگذارید شی جان دار شما را لمس کند زیرا این عمل باعث می شود احساس علاقه در شما ایجاد شود .

9. از نگاه کردن به چشمان شی جان دار خودداری کنید زیرا این عمل باعث لغزش ایمان به بت بزرگ و احساس وابستگی می شود .

10. اگر احتمال می دهید از دیدن صورت شی جان داری که با شما هم بستر شده است نمی توانید خودداری کنید ، چشمان خود را ببندید و در این عمل برای شما زندگی ابدی نهفته است .

11. بعد از رضایت از هم بستری با شی جاندار از آن دور شوید و در آنجا بخواب نروید زیرا شیطان در لحظه بعد از همبستری اگر در کنار شی جان دار باشید به درون شما نفوذ می کند .

12. در هیچ شرایط دیگری بجز تولید انسان با شی جان دار هم بستر یا هم خواب نشوید که اگر این عمل اتفاق افتد ابدی نخواهید بود .

مهمترین علم که دیگر علم ها از این علم می باشد ، علم فلسفه علوم می باشد ، این علم تنها علمی است که جایگزین و شامل دیگر علم ها می باشد و دیگر علم ها به دلیل داشتن این علم غیر قانونی اعلام شده زیرا در دیگر علوم مسائل شیطانی و نفوذ شیطان در دیگر علم ها هویدا می باشد .

علم فلسفه و علوم:

مبحث اول ، یک بعلاو یک مساوی دو است به عبارت دیگر یک انسان بعلاوه یک انسان می شود دو انسان و این قانون برای اشیا بی جان نیز می باشد یعنی در زمان حساب کردن تعداد اشیا بی جان به هر کدام بر اساس تعداد نسبت یکی از عدد های ده گانه را نسبت می دهیم و اعداد از یک شروع می شوند و به 9876543210 ختم می شوند .

یکی از پیشاهنگان سوالی در ذهنش ایجاد می شود و آن را به زبان می آورد ، یک شی جان دار بعلاوه یک شی جاندار چند می شود ؟

پیشوا : یک ، زیرا هر شی جان دار به دلیل نفوذ شیطان در وجود او نیم شیطان و نیمی از صفات یک انسان را دارد به همین دلیل دو تا شی جان دار را یک حساب می کنیم نمونه های آن را می توانید در مسائل مختلفی ببینید مانند شاهدات و غیر و حتی اینکه یک شی جان دار (یک + یک شی جان دار) نمی تواند پیشاهنگ شود زیرا بت بزرگ به پیشوای بزرگ این موضوع را مستقیم بنیان گذاری کرده است و هیچ کسی نمی تواند نظر بت بزرگ را تغییر دهد حتی پیشوای بزرگ .
ادامه مبحث ، بعد از عدد دو ، عدد سه می باشد و زمانی که موجودیتی به نام عدد دو نباشد عدد سه نیز به وجود نمی آید.

سوال دیگری در ذهن پیشاهنگ جوان ایجاد می شود ، پس چگونه است از هم خوابی یک انسان و شی جان دار یک وجود دیگر بوجود می آید اما در صورتی شی جان دار نصف یک حساب نمی شود ؟ و سوال خود را اینگونه مطرح می کند : پیشوای ما ، چگونه می شود از یک و نصف یک یا شاید کمتر عدد سه بوجود آید ؟

پیشوا : غیر ممکن است زیر نصف یک عدد کامل و بسته نمی باشد و اگر بخواهیم آن را حساب کنیم اینگونه می شود یک سیب و نصف سیب می شود یک سیب و نصفی پس چگونه می شود وقتی عدد دو بوجود نیامده عدد سه بوجود آید ؟

پیشاهنگ : پیشوای ما سوا لم همین است ؟ چطور از هم خوابی شی جان دار و یک انسان می تواند انسان دیگری بوجود آید ؟

پیشوا برفروخته می شود و در ذهن خود مرور می کند، این پیشاهنگ سوالات شیطانی می پرسد و می خواهد از برابری شی جان دار و انسان ها سخن به میان آورد و ذهن دیگر پیشاهنگان کلاس را با افکار آلوده خود مانند سیب خراب شده دیگر سیب های رسیده را خراب کند و آنان را مانند خود خراب و از بین ببرد و دیگر پیشاهنگان را مانند خود به افکار شیطانی آلوده کند. باید او را از وجود شیطان پاک کنم .

پیشوا می گوید از در به بیرون برو، الان نزد تو می آیم . بعد از چند لحظه پیشوا دست پیشاهنگ را می گیرد و با خود می برد و دیگر کسی از پیشاهنگ جوان خبری ندارد الان سالهاست پیشاهنگ جوان از یادها رفته است و پیشاهنگان دیگر که آلوده افکار شیطانی باشند از یاد فراموش می شوند و این رویه ادامه دارد و جزی از رسم های غیر رسمی پیشاهنگان شده است ، سوال خود را کشته و آن را به زبان نیاورند .

و سالهاست شی های جان دار به دلیل اینکه تخم شان روی سینه شان است همچنان شیطانی هستند و انسان ها مانند غذا خوردن برای بقا به شی جان دار برای تولید مثل نیاز دارند و سال هاست که یک زن بعلاوه یک زن می شود یک .

به امید برابری

پایان